تاملی بر دغدغه‌های حکمی حضرت امام خمینی (ره)

طومار علوم و فلسفه در هم پیچ

اسماعیل محمد حسنی

در آمد: یک سده پیش سخن گفتن از فلسفه و عرفان در نهادهای آموزشی و سنتی کار ساده‌ای نبوده و گاهی حتی منجر به تکفیر و محرومیت از حقوق حقه افراد می‌شده است. به گونه‌ای که آنان نیز که به تعلیم این علوم می‌پرداختند، سعی در پنهان نمودن آن داشتند اما امام خمینی (ره) حتی در فعالیت علمی نیز انقلابی بود و هم تعلیم فلسفه و عرفان دید و هم آن را تدریس کرد. در این نوشتار به طور موجز به فعالیت فکری و فلسفی ایشان می‌پردازیم.

فصل بگشا که وصف رویت باشد
آغاز گر طره مویت باشد
طومار علوم و فلسفه در هم پیچ
یارا نظری که ره به سویت باشد
شعر از حضرت امام خمینی (ره)

۱- سال‌های آغازین و تحصیل

سیدروح‌الله مصطفوی فرزند مصطفی و هاجر در ۳۰ شهریور ۱۲۸۱ هجری شمسی (۱۹۰۲م) در خمین به دنیا آمد. در مکتبخانه خمین نزد مرحوم ملاابوالقاسم تحصیل را شروع کرد و سپس نزد آقا شیخ‌جعفر و مرحوم میرزامحمود (افتخارالعلما) درس‌های ابتدایی را خواند. از مرحوم آقای نجفی خمینی منطق را آموخت. مصادف سال ۱۳۳۹ هجری قمری، یعنی ۱۹سالگی به سلطان‌آباد عراق (اراک) می‌رود و در آنجا نزد مرحوم آقاشیخ محمدعلی بروجردی مطول و نزد مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی منطق می‌آموزد.

در سال ۱۳٤۰ (هـ ق) پس از هجرت آیت‌الله حائری به قم سفر کرده و وقت خویش را بیشتر به تعلیم و تعلم کتب صدرالمتالهین می‌پردازد.

۲- اساتید عرفان و فلسفه

امام خمینی فلسفه و عرفان را نزد اعاظم این علوم آموختند، در میان ایشان ذکر نام چند نفر ضرورت دارد: الف- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا جوادآقا ملکی تبریزی (م ۱۳۰٤ق): امام به همراه ۱۰ نفر دیگر در درس خصوصی ایشان و به مدت سه سال در قم در زمینه سیر و سلوک و عرفان عملی حاضر می‌شدند.

ب- مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی اکبر حکمی یزدی (م ۱۳۰۵ق): وی از اساتید بزرگ و فرهیخته علوم معقول بود و در حوزه علمیه قم به تدریس حکمت و ریاضیات اشتغال داشت و امام به همراه کسانی چون آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری و حاج سید احمد خوانساری در درس هیات و حساب ایشان حاضر می‌شد.

ج- مرحوم آیت‌الله حاج‌سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (۱۳۹۵- ۱۳۱۰ق): امام چهارسال شرح منظومه حاجی سبزواری را نزد ایشان آموخت و چنان در این دروس از حکمت متعالیه سیراب شد که در درس اسفار استاد جز چند روز شرکت نکرد و برای یادگیری این کتاب به مباحثه آن با آیت‌الله حاج میرزا خلیل کمره‌ای بسنده کرد.

د- مرحوم آیت‌الله حاج شیخ‌محمدعلی شاه‌آبادی (۱۲۹۲- ۱۳٦۹ق): استاد اعظم عرفان نظری و موثرترین شخصیتی که در روحیه عرفانی امام تاثیر فراوان گذاشت. امام در سال‌های ۱۳۱٤- ۱۳۰۷ ش شرح فصوص الحکم، مصباح‌الانس و بخش‌هایی از فتوحات مکیه و منازل السائرین را در محضر مرحوم شاه‌آبادی تحصیل نمودند و عمده استفاده امام در علوم معنوی و عرفانی نزد ایشان بوده است. خصوصیات انس این مرید و مراد از توان این وجیزه فارغ است و همین بس که امام خمینی که تحصیل و تدریس علوم عقلی را با چنان مشقتی پذیرا شده بود، با نوشیدن از زلال معرفت ناب الهی نزد این استاد بود که از توغل در علوم عقلی دست کشید و چنین سرود:

آنان که به علم فلسفه می‌نازند
بر علم دگر به آشکارا تازند
ترسم که در این حجاب اکبر، آخر
سرگرم شوند و خویشتن را بازند

با این همه تاثیر این سال‌ها در فکر و اندیشه امام همیشه باقی بود. این تاثیر هم در شیوه بیان و هم در نگرش عقلانی امام، از تاکید ایشان بر نقش اجماع در فقه گرفته تا پی‌ریزی فلسفه سیاسی اسلامی مبتنی بر رهیافت‌های عقلانی آشکار است.

۳- منش فلسفی امام خمینی

فلسفه اسلامی به آن صورت که امروز در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تدریس می‌شود، دستاورد نزدیک به هزارسال کوشش پرفراز و نشیب حکما و فلاسفه اسلامی از کندی تا علامه طباطبایی است. در میان گرایش‌های فراوان در این سنت سه جریان بزرگ از هم قابل تفکیک‌اند. نخست جریان فلسفه مشائی است که نمایندگان بزرگ آن از متقدمین ابونصر فارابی و شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا هستند و در سده‌های میانه بزرگانی چون خواجه نصیرالدین طوسی به شرح آن پرداخته‌اند.

بزرگ‌ترین فیلسوفان مشائی (با تفسیر ارسطویی از حکمت نوافلاطونی) در دوره‌های اخیر ابن‌رشد و دیگر اندلسیان هستند. اگر ضربه بزرگ غزالی در قرن ششم هجری به فلسفه را در نظر نگیریم، دومین جریان بزرگ فلسفی، سنت فلسفه اشراقی است که بزرگ‌ترین نماینده آن شیخ شهاب‌الدین سهروردی، حکیم اشراقی قرن ششم و هفتم است. سهروردی با احیای حکمت زروانی باستانی ایرانی و پیوند آن با تعالیم افلاطونی مکتب اشراق را پی ریخت.

از بنای عرفان - نظری در غرب عالم اسلام و توسط محی‌الدین ابن‌عربی که بگذریم، در قرون دهم و یازدهم با ظهور مکتبی بزرگ در فلسفه اسلامی در حوزه اصفهان مواجهیم که بزرگانی چون میرفندرسکی، میرداماد و صدرالمتالهین شیرازی را پرورش داده است. صدرالدین شیرازی قوامی (۱۰۵۰ - ۹۷۹ ق)، شاگرد بزرگ شیخ بهایی و میرداماد، با تالیف چهار جریان بزرگ فلسفه مشاء، فلسفه اشراق، عرفان نظری و تعالیم الهی اسلامی در حکمت متعالیه، کاخ باشکوه فلسفه‌اش را بنا کرد.

او که نزدیک به چهل اثر (اسفار، شواهد ربوبیه، مبدا و معاد، مشاعر، مفاتیح الغیب و...) دارد، شاگردانی چون ملامحسن فیض کاشانی و ملاعبدالرزاق لاهیجی را در مکتب خود پروراند. قدرت نفوذ صدرالمتالهین چنان بود که در ٤ سده اخیر مهم‌ترین جریان فکری فلسفی در حوزه‌های علوم اسلامی مکتب حکمت متعالیه است. از شارحین بزرگ این جریان حاج ملاهادی سبزواری متخلص به اسرار (۱۲۱۲ ق) و در دوران معاصر علامه سیدمحمد حسین طباطبایی اند از. این شرح مفصل آشکار می‌شود که امام خمینی (ره) به سنت فلسفی صدرایی متعلق است و ترسیم خط فکری ایشان نیز به صورت حرکتی از عقل گرایی ناب ابن سینایی با شروع از آموزش منطق و شرح منظومه سبزواری تا گرایش عرفانی ایشان در نوشته‌های اخیر چون تفسیر سوره حمد، شرح چهل حدیث و... است. برای روشن شدن این موضوع، نگاهی به تالیفات فلسفی ایشان ضروری است.

٤ـ تالیفات فلسفی و عرفانی

امام خمینی در زمینه عرفان کتاب‌های متعددی نوشته‌اند که تاریخ تالیف آنها از ۱۳٤۷ تا ۱۳۵۵ .ق می‌باشد. در زمینه فلسفه هم گذشته از مطالب منتشره در کتب عرفانی، سه کتاب از تقریرات فلسفی ایشان در شرح منظومه و اسفار ملاصدرا منتشر شده است. باهم نگاهی مختصر به این مجموعه می‌کنیم.

الف - «شرح دعای سحر» و «مصباح الهدایه» که هر دو دارای مضامین عرفانی و فلسفی و قابل استفاده برای آشنایان با اصطلاحات فنی فلسفی و حکمی و حاصل تلمذ ایشان نزد مرحوم شاه‌آبادی است.

ب- «سره الصلوه و آداب الصلوه» که هر دو تفسیر فلسفی و عرفانی قرآن کریم هستند.

ج- تعلیقه بر شرح فصوص الحکم و تعلیقه بر مصباح الانس: شرح دو کتاب عظیم عرفانی که اولی تفسیری بر شرح «فصوص الحکم» اثر محمود قیصری (فصوص، مهم‌ترین کتاب ابن عربی است) و دومی حاشیه‌ای بر مصباح الانس تالیف صدرالدین محمدبن‌اسحاق قونوی شاگرد بزرگ ابن‌عربی است.

د- تفسیر سوره حمد: شرحی عرفانی بر سوره حمد که در سال‌های نخست پیروزی انقلاب در پنج جلسه بیان و مکرر چاپ شد.

هـ- اربعین - شرح چهل حدیث: که در ۷ حدیث پایانی به مسائل فلسفی و عرفانی می‌پردازد.

و- تقریرات فلسفه در ۳ جلد که دو جلد نخست به شرح منظومه و جلد سوم به شرح اسفار اختصاص دارد و امام در سال‌های ۱۳۲۸ -۱۳۲۳ . ش تدریس کرده و توسط آیت‌الله سیدعبدالغنی اردبیلی تقریر گردید و در سال ۱۳۸۱ توسط نشر آثار امام خمینی (ره) منتشر شد و به این مجموعه باید حاشیه بر اسفار (عربی) را نیز افزود.

۵- حوزه تدریس

امام خمینی بیش از حدود ۱۳۰۸ .ق به تدریس کتب صدرالمتالهین اشتغال داشته‌اند و یک دوره اسفار ملاصدرا را به غیر از مباحث جواهر و اعراض و سه دوره شرح منظومه تدریس فرموده‌اند. در حوزه عرفان نظری و عملی نیز شرح فصوص و منازل السائرین را سال‌ها به صورت خصوصی تدریس فرموده‌اند که به دلیل پنهان بودن، اطلاع دقیقی از این جلسات نیست. مثلا آیت‌الله جعفر سبحانی شاگرد او در این باب می‌گوید: امام عرفان را برای هرکسی تدریس نمی‌کرد. فقط مقدمات فصوص را برای عده محدودی تدریس کرد. استاد مرحوم سیدجلال‌الدین آشتیانی نیز درباره تدریس عرفان می‌گوید: آن وقت‌ها اصلا نمی‌شد کسی عرفان درس بدهد. او درباره مقام فلسفی امام در شرح مقدمه قیصری (ص ۳٤) چنین نوشته است: امام خمینی (ره) در حکمت متعالیه به روش صدرالحکما و العرفاء آخوند ملاصدرا، استاد مسلم و در حقیقت بدون مجامله باید گفت که آن جناب خاتم حکما و عرفا در عصر مان می‌باشند، امام قبل از دوران طلبگی حقیر در قم «شرح فصوص» تدریس می‌کردند و در زمانی که در قم تحصیل می‌کردم، شرح منظومه را برای جمعی از افاضل زمان تدریس می‌فرمودند و مدت‌ها به تدریس اسفار اشتغال داشتند. البته امام از حدود سال ۱۳۲۸ . ش از تدریس فلسفه و عرفان فاصله گرفتند و به همین دلیل سابقه بیست و چند ساله حکمت متعالیه توسط ایشان از خاطره‌ها زدوده شد.

خود ایشان در نامه‌ای به مولف کتاب «بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی» می‌نویسند: اینجانب در زمانی که ساکن مدرسه دارالشفا بودم مدت‌ها فلسفه تدریس می‌کردم و در سنه ۱۳٤۸. ق (۱۳۰۸ ش) به واسطه تأهل از مدرسه خارج شدم.

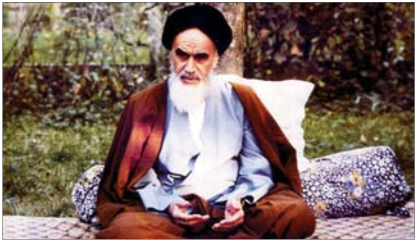

شنیدن حکایت آن سال‌ها از زبان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ‌مهدی حائری یزدی نیز خالی از لطف نیست. چون آن وقت این چیزها در حوزه تعلیم و تعلم رسما رایج نبود، «آقای خمینی خصوصا و اختصاصا در منزل خودشان به من درس می‌دادند و گاهی هم در مدرسه دارالشفا بنده یک دوره کامل منظومه پیش ایشان خواندم و... به استثنای فلکیات منظومه، فلکیات را ایشان گفتند اباطیل است و فلکیات جدید با اینها قابل مقایسه نیست. آقای خمینی می گفتند اسفار را نخوانده‌اند، اما آن را با میرزاخلیل کمره‌ای مباحثه کرده‌اند و لذا به نظر من، درس اسفار ایشان خیلی سنتی نبود تا بتوان گفت سلسله سند ایشان در تعلیم اسفار به صدر المتالهین می‌رسد. هرچه بود حدت و جودت فهم خود ایشان بود که می‌توانست از عهده تدریس اسفار برآید؛ زیرا این خصوصیت اسفار است که سطح آن بسیار شیوا و روان است که نکات مخدوش و غیر وارد به متن بسیار دارد. ایشان علاقه‌ای به فلاسفه مشاء و منطق نداشت. درس اسفار ایشان بیشتر جاذبه عرفان داشت، عرفان را هم نزد آقای شاه‌آبادی به خوبی خوانده بود و دائما هم مشغول مطالعه کتب ابن عربی و غیره بودند؛ لذا به اسفار هم از نظر ابن‌عربی نگاه می‌کردند نه از نظر ابن سینا و فارابی. به کلمات این دو که می‌رسید به کلی ناراحت می‌شدند و با توان سرشار عرفانی از تنگناهای فلسفه خارج می‌شدند.

روزی که من ایرادی اظهار کردم، ایشان در جواب گفتند: شما باید از این گونه‌ها سخنان ابن سینا استبراء شوید. باری بعد از تمام شدن منظومه با دو سه نفر از رفقا پیش آقای خمینی اسفار را شروع کردیم. ۱۰ سال طول کشید که اسفار را خواندیم.» (نامه فرهنگ، شماره ۱۷، صص ۱۰٤، ۱۰۵ و پژوهشنامه متین، شماره ۱، ص ۳۸٤)

٦- شاگردان امام

امام خمینی (ره) شاگردان بزرگی را در حوزه فلسفه و عرفان پرورش دادند که از میان ایشان می‌توان به این افراد اشاره کرد: سیدجلال‌الدین آشتیانی، شیخ مهدی حائری‌یزدی، میرزا جواد حجت همدانی، عباس زریاب خوئی، سیدرضا صدر، سید محمدعلی قاضی طباطبایی، شیخ مهدی فکوریزدی و شهید مرتضی مطهری.

ابعاد فلسفی اندیشه‌های امام محدود به آنچه آمد نیست، ایشان در زمینه فلسفه‌های مضاف چون فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق و فلسفه فقه نیز صاحبنظر می‌باشند.

در این مختصر کوشیدیم، اشاره‌ای کوتاه به فعالیت فلسفی امام خمینی (ره) کنیم، برای پرداختن به متن نوشته‌ها و نوآوری‌های فکری فلسفی ایشان فرصتی دیگر لازم است.

این فلسفه را که علم اعلا خوانی /برتر ز علوم دیگرش می دانی
خاری ز ره سالک عاشق نگرفت /هرچند به عرش اعظمش بنشانی

***منابع در روزنامه موجود است.**